

جویش مفهومی امنیت ملی در قرآن

کلمه میزگرد علمی

□ اشاره: خداوند متعال انسان را به تعبیری، مدنی بالطبع آفرید، و خوی ها و خصلت های مختلفی را در وجود او به ودیعه نهاد و به او توانایی پردازش اطلاعات و اختیار را اعطا کرد. برخی مسیر مطلوب او را دنبال کردند و برخی به ارضای خواسته های نفسانی خویش مبادرت ورزیدند. بقی یا زیاده طلبی یکی از آن خواسته های نامحدود است که صاحب خود را به ستمگری، تعدی و ایجاد ناامنی وامی دارد. و از طرفی، قرآن را که مشتمل بر دستورالعمل های فرازمانی و فرامکانی است نازل فرمود و بالطبع در این راه از ارائه هیچ رهنمودی دریغ نورزید و قطعاً رهپویان راه خود را در این مسیر پرچالش و پر از پدیده های نوظهور تنها نمی گذارد؛ و در این بین موضوع امنیت و سازکارهای آن از مباحث نوپدید است که بررسی و شناخت ابعاد آن از منظر قرآن کریم برای متولیان و دانش پژوهان امنیت جمهوری اسلامی ایران ضرورتی انکار ناپذیر می نماید. زیرا اسلام امنیت را یکی از اصول زندگی و حالتی اجتناب ناپذیر در زندگی جمعی و عنصر ضروری در بهره وری مزایا و مواهب حیات و نیز زمینه ساز تکامل و ارتقاء بشر تلقی کرده است و از آن به عنوان یکی از مقدس ترین آرمان های بشری و الهی یاد نموده است. اما مفهوم امنیت ملی و توجه به امنیت سرزمینی که مبین قلمرو حاکمیت و صلاحیت دولت هاست و می تواند قدرت فائقه حاکم بر کشورها را در قالب مرز و یک قلمرو حقوقی شخصی و اختیارات زمامداری آنان را تأمین و برای مردم آن ایجاد حق و تکلیف کند از کمتر مفاهیمی است که در قرآن مورد جستجو قرار گرفته است. اینکه این مفهوم مقدم بر امنیت فردی و یا امنیت امت و جهان اسلام است و یا اینکه فاقد اصالت بوده و از منظر قرآن کریم تحقق آن صرفاً ضرورتی در پیگیری اهداف عالی اسلام خواهد بود از جمله اهدافی است که مقدمه آن شاید در این میزگرد فراهم شده و موخرات آن را باید در محافل علمی و دینی دنبال نمود و زمینه ایجاد ادبیاتی در دفاع از مرزهای کشور و پاسداری از آنرا در قالب هرگونه تجاوز نظامی و یا غیر نظامی فراهم کرد. در این رابطه میزگردی با حضور چند تن از کارشناسان متعهد امنیت ملی با هدایت دکتر عصاریان، عضو هیأت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی، برگزار گردید که چکیده آن در معرض مطالعه خوانندگان محترم قرار می گیرد.

الحمد لله رب العالمین و صلی علی سیدنا محمد وآله الطاهیرین لا سیما بقیه الله فی الارضین عجل الله تعالی فرجه و جعلنا من اعوانه وانصاره

یکی از مباحث اساسی حوزه امنیت ملی ج.ا. ایران، ضرورت ابتدای رویکردهای امنیت ملی بر آموزه های دین مبین اسلام است. یکی از منابع اساسی در اجتهاد سازکارهای فهم ضرورت های امنیت مرز و بوم و مرزداری و آماده سازی در دفاع از خود قرآن کریم است. بسیاری از مفسران معتقدند که در قرآن ما می توانیم امنیت را به اشکال مختلف ببینیم چه در آنجا که قرآن می فرماید: امنیت را برای مؤمنان قرار دادیم و کسانی که ظلم پیشه نمی کنند... چه در آنجا که امنیت با یک سری مفاهیم مثل ترس، گرسنگی، تهدید، نگرانی و تجاوز در قرآن همراه شده است.

**لذا سؤال نخست را در خدمت برادر گرامی جناب آقای عبدا... زاده هستیم تا
بفرمایند از نظر ایشان شناخت و درک مفهوم امنیت در قرآن براساس
چه عواملی شکل گرفته و موضوع بندی شده است؟**

احمد عبدالله زاده، کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی:

در این بحث می خواهیم دو موضوع را بررسی کنیم. یکی این که امنیت و عوامل شکل گیری آن چیست و دیگر این که بر چه اساسی امنیت در قرآن موضوع بندی شده است. به این پرسش ها در چند محور می توان پاسخ داد. یکی، بررسی جنبه لغوی امنیت در قرآن است. دوم عوامل شکل دهنده امنیت و سوم هم، موضوع بندی امنیت.

در بحث لغوی از مفهوم امنیت، باید گفت کلمه امنیت به این شکل در آیات قرآن موجود نیست. آنچه در قرآن هست مشتقات این واژه است یعنی " آمِن " به عنوان ریشه اصلی آمده و از آن ۶۲ کلمه دیگر مشتق شده. کلماتی مثل آمَن، اَمْنَت، اَمْنُوا، مؤمنین، مؤمنون، مؤمنات و یؤمنون و....

کلمه آمِن طبق آنچه در مفردات راغب آمده به معنای اطمینان و آرامش و مقابل خوف و هراس ترجمه شده که از این مفهوم هم دو معنای سلبی و ایجابی امنیت فهمیده می شود، یعنی هم می توان معنای ایجابی آن یعنی اطمینان فکری و آرامش

روحی و هم معنای سلبی آن یعنی نبود ترس و هراس را درک کرد. اما به نظر می‌رسد که قرآن بیش از جنبه سلبی، جنبه ایجابی این مفهوم را مورد توجه قرار داده است.

پس از بحث لغوی امنیت در قرآن باید به پنج عامل مؤثر در زمینه طرح این موضوع در قرآن اشاره کرد: یکی از عوامل تشکیل دهنده درک و شناخت امنیت در قرآن، عامل «توحید» است. معنای لغوی توحید یگانگی است که در مقابل شرک است که به معنای کثرت، چندگانگی است و توحید در واقع یک نوع ایجاد امنیت در مقابل این تعارضات و دگرگونی‌ها و چندگانگی‌هاست؛ گویی وقتی توحید مطرح می‌شود، نوعی روپوش روی این اختلافات و تعارضات کشیده می‌شود و یک نوع اطمینان و آرامش خاطری در عالم هستی ایجاد می‌کند. آیه‌ای که این مفهوم از آن استنباط می‌شود، آیه ۸۲ سوره انعام است که می‌فرماید: "الذین آمنوا و لم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الامن و هم مهتدون". معنای این آیه این است که آنهایی که ایمان آوردند و ایمان خود را با ظلم و ستم نیامیختند امنیت برای آنهاست و هدایت مخصوص آنهاست. آنچه از این آیه برداشت می‌شود یکی آن است که شرک مانع ایجاد امنیت و در مقابل، توحید امنیت ایجاد می‌کند و دیگر آن که آنان که ایمان واقعی دارند امنیت واقعی برای آنها حاصل می‌شود.

مفهوم دومی که از این موضوع استنباط می‌شود، مسأله تقرب انسان به خدا و عبودیت است که در واقع فلسفه ارسال پیامبران و دعوت آنها در هستی در واقع همین است که موانع ایجاد تقرب را از بین ببرند. زیرا تقرب به خدا ایجاد امنیت می‌کند. در حالی که موانعی از قبیل کفار و طواغیت، مسرفین و منافقین در واقع مانع امنیت می‌شوند و پیامبران آمده‌اند تا این موانع را از میان ببرند. سومین عاملی که در بحث امنیت در قرآن مطرح است این است که قرآن در واقع چند الگو در بحث امنیت ارائه داده است: یکی این که مکان خاص امن را به انسان‌ها معرفی کرده که همان مکه است. دوم این که یک شهر الگویی، یک مدینه الگویی را به انسان‌ها معرفی کرده و نکته بعدی هم، این که یک وعده نهایی داده به انسان‌ها که بالاخره در سرانجام این جهان هستی، یک امنیتی برپا خواهد شد. که برداشت‌ها در واقع این جور می‌شود. آن مکان خاص را که عرض کردم امن قرار داده و فرمودید در

چند آیه آمده، باید گفت که در سوره های مختلف، در آیه ۱۲۶ سوره بقره: "اذ قال ابراهیم رب اجعل هذا بلداً آمناً" که اشاره به مکه است. خداوند در این آیه، یک مکان خاص به عنوان الگوی امنیت معرفی کرده. درباره شهر خاص هم در جایی دیگر در سوره نحل آیه ۱۱۲ می فرماید: "و ضرب الله مثلاً قریه کانت آمنه مطمئنه یأتیها رزقها رغداً من کل مکان..." "قریه در اینجا به معنای شهر است، این شهر، شهری امن است و همه مواهب خداوند در این شهر وارد می شود، مواهب اقتصادی، سیاسی، دینی، امنیتی و در واقع همه چیز در آن وجود دارد و ثبات سیاسی و اقتصادی هم در آن هست. و آخرین مورد هم که عرض کردم آن است که قرآن امنیت را به عنوان یک ایده قطعی و یک وعده تحقق یابنده قطعی مطرح می کند که انسان ها حتماً به این امنیت خواهند رسید. در آیه ۵۵ سوره نور: «وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم أمنا یعبدوننی لا یشرکون بی شیئاً...» که خداوند این وعده را می دهد که ما آن مکان امن را دنیا مشخص کردیم و در سرانجام هستی یک شهر امن ایجاد خواهد شد که جانشینان من که همان انسان های مؤمن و صاحبان اعمال صالح هستند در آن مستقر خواهند شد و این در هستی تحقق عینی پیدا خواهد کرد.

دکتر عساریان نژاد:

آقای مؤمن زاده، بفرمایید مفاهیم امنیت در قرآن براساس چه نیازهایی طبقه بندی می شود و دستگاه شناخت و تقسیم بندی این نیازها از منظر قرآن کریم چیست؟

صحبت های آقای عبدالله زاده جمع بندی خوبی بود از فضای بحث - شما درباره نحوه این دسته بندی ها توضیح بفرمایید؛ مثلاً آنجا که در قرآن و از منظر خداوند متعال امنیت با آبادانی و با معیشت و رفاه همراه است با جلوگیری از ترس می آید، آنجایی که امنیت با مفاهیم عدالت و قسط می آید... بفرمایید قرآن بر اساس کدام دستگاه شناختی این تقسیم بندی ها را انجام می دهد؟

آقای زین العابدین مؤمن زاده، کارشناس ارشد روابط بین الملل:

مایلم بحث را با این سؤال آغاز کنیم که آیا اصولاً دین اسلام رسالت پاسخ گویی به پرسش های مربوط به زندگی سیاسی انسان را برای خود قابل است؟ و در صورتی که پاسخ به این سؤال مثبت باشد، سؤال دیگری مطرح می شود که چگونه و با چه روشی می توان پاسخ پرسش های فراوان، متغیر و نو پدید عرصه سیاست را از دین و وحی، به عنوان امری ثابت، محدود و فرا زمانی مطالبه کرد؟

انسان مسلمان، به حکم مسلمان بودن، ناگزیر است رفتار خود را در تمام مراحل زندگی با قوانین اسلامی هماهنگ کند؛ اما مشکلی که در این جا پیش می آید این است که زندگی انسان دچار تغییرات و تحولاتی است که پرسش های جدیدی را مطرح می سازد و او پاسخ این پرسش ها را از دین مطالبه می کند، ولی در دین پاسخ های روشنی در این خصوص وجود ندارد که از دلایل عمده آن، نو ظهور بودن مسائل، فاصله زمانی با دوران ارائه منابع اسلامی و کلی بودن مدارک و ادله احکام است.

با توجه به مشکل مذکور ضرورت داشت مسلمانان تلاش هایی را در جهت رفع آن و تعیین تکلیف انسان مسلمان انجام دهند. این تلاش ها منجر به شکل گیری دانش « فقه » شد. فقه علم استنباط احکام شرعی است. بخشی از احکام دارای دلایل متقن و معتبر در متون دینی است و پاره ای چنین نیست. احکام عبادات و رفتار های فردی و به عبارتی رابطه فرد و خدا و نوعاً از دسته اول است و احکام مربوط به زندگی اجتماعی و به عبارتی روابط افراد با یکدیگر، روابط افراد با دولت و روابط دولت ها با یکدیگر از مسائل دسته دوم است. شیوه استنباط احکام شرعی، سیاسی و غیر سیاسی، یکی از کانون های نزاع و چالش است. این پرسش که آیا در شریعت اسلامی، استنباط و اجتهاد جایز است یا نه؟ و در هر صورت، تکلیف چیست؟ باعث پیدایش دو گروه اهل اجتهاد و اهل حدیث و در ادامه، اصولی و اخباری ها در میان شیعیان شد. چنان که در میان اهل سنت نیز منجر به پیدایش دو گروه اهل رأی و اهل حدیث گردید.

بر خلاف برخی متون مذهبی که در مورد زبان راز آلود فراتر از درک عقلانی، آموزه ارائه می دهند، قرآن در بیش از ۷۵۰ آیه معتقدان را به مشاهده، اندیشه و تأمل برای تحلیل، درک و فهم طبیعت، تاریخ و جوامع مذهبی انسانی تشویق می کند. مفهوم ذکر شده از حکومت، بر این واقعیت استوار است که اسلام، نظام جامع و منسجم برای زندگی است. اسلام جهان را به گونه ای مصنوعی و مستبدانه به اجتماعی و دنیوی، یا مذهبی و سکولار تقسیم نمی کند. در اسلام، دین و حکومت یک اتحاد اندام وار هستند که در یک سازگاری جدا نشدنی اجتماعی و سیاسی به هم پیوسته اند.

امنیت از نیازهای نخست و خواسته های به حق جامعه بشری به حساب می آید، چرا که در سایه امنیت، شکوفایی استعداد، خلاقیت ها و رشد و بالندگی تمدن ها، محقق می شود و در فقدان آن تمدن ها به زوال می گراید. می توان گفت در فرهنگ قرآن، امنیت از یک مفهوم وسیع و در برگیرنده، متوازن و عمیقی برخوردار است که شامل تمام حوزه های زندگی انسان (مادی و معنوی، فردی و اجتماعی، داخلی و خارجی، سیاسی و اقتصادی) می شود. امنیت در مفهوم قرآنی آن، در سایه تقوا، توکل، احترام به حقوق دیگران، اجرای قسط و عدالت، برابری و برادری، دفاع و حمایت از مظلوم و محروم، برخورد با مفسد و مجرم، دفع فقر و مسکنت، تأمین معیشت و رفاه، حفظ آزادی های مشروع مردم و حاکمیت معیارهای انسانی و الهی امکان پذیر است.

قرآن مقوله امنیت را در موارد گوناگونی مطرح نموده، اهمیت و ضرورت آن را به عنوان سنگ زیرین مؤلفه های تکامل انسان معرفی می نماید، تأکید و توجه قرآن به مقوله امنیت خود نشان دهنده این واقعیت است که رشد، توسعه و شکوفایی در تمام حوزه های زندگی جز در سایه امنیت و آرامش امکان پذیر نخواهد بود. اهمیت امنیت در زندگی انسان از نظر قرآن را با توجه به نمونه های ذیل می توان به دست آورد. امنیت در دوری از بت پرستی حفظ رفاه و آسایش: چنان چه حضرت ابراهیم درخواست می کند: «پروردگارا این شهر را امنیت بخش مرا و فرزندانم را از پرستش بت ها دور نگاه دار.» (ابراهیم / ۳۵)

علاوه بر این در قرآن کریم شهری که از امنیت برخوردار است به عنوان الگوی سرزمین ایده آل آمده است. (نحل/ ۱۱۲)

حضرت علی (ع) نیز در خطبه دوم نهج البلاغه، یکی از ویژگی های عصر جاهلیت را فقدان امنیت نام می برند. از دیدگاه قرآن امنیت یکی از اصول زندگی فردی و جمعی، زمینه ساز بهره وری از مزایا و مواهب حیات و تکامل بشر و یکی از مقدس ترین آرمان هاست؛ تا جایی که «ایمان یعنی باور همراه با عمل که برای انسان امنیت به ارمغان می آورد در قرآن و نصوص اسلامی به عنوان مقدس ترین سرمایه انسانی شمرده شده است.» (راغب اصفهانی)

در جهان بینی الهی، امنیت فردی و یا اجتماعی با تکیه بر عامل فطرت و خداگرایی انسان پی ریزی شده است. انسان در این جهان بینی، امنیت را برای رشد و تکامل اجتماع به سوی اهداف واقعی و متعالی می داند. لیکن در جهان بینی مادی؛ امنیت فردی و اجتماعی از آن جهت مورد تأکید است که می تواند به ابعاد مادی زندگی انسان پاسخ داده و آن را توسعه ببخشد. مثلاً لیبرالیسم در اقتصاد، امنیت را عاملی برای رشد و توسعه اقتصادی ذکر می کنند و نئولیبرالیست ها نیز به لزوم «امنیت» در تحرکات اقتصادی تأکید می ورزند. در حقیقت مراد آن ها از امنیت، امنیت سرمایه گذاری بخش خصوصی با هر حجم در ابعاد وسیع و امنیت رقابت اجتماعی در ابعاد گوناگون آن است. به این معنی که هر عاملی که می تواند بر رشد مصرف گرایی و تولید و توسعه آن مؤثر باشد باید تقویت شده و عنصر امنیت برای ادامه حیات آن عامل، لحاظ گردد.

و اما انواع معرفت و کارکرد هر یک در جهان بینی توحیدی دستگاه تولید معرفت امنیتی با روش اصول فقه قابل استنباط است و در این زمینه می توان چهارگونه ابزار معرفت را برشمرد:

اصول فقه (روش تحقیق در فقه)

بهره گیری از علم رجال

علم درایه (محتوای حدیث)

آشنایی با ادبیات عرب که مشهورترین مفاد اصول فقه می باشد.

در واقع روش تحقیق امنیت در اسلام از طریق وحی، سنت، عقل و استدلال، تجربه، اجماع نخبگان دینی صورت می پذیرد. البته این شیوه ها مکمل همدیگرند.

فقه سیاسی که اداره کشور بر اساس قوانین و وحی آسمانی است، افراد جامعه را از مسئولیت خودآگاه می‌سازد و آنها را به اجرای مسئولیت وادار می‌کند. ارتباط افراد با حکومت و وظیفه‌ای که حکومت نسبت به افراد دارد گوشزد نموده و هر کدام را در به‌کارگیری وظیفه خود ملزم می‌نماید. مشارکت افراد در شکل‌های گوناگون مانند: امر به معروف و نهی از منکر، ارشاد جاهل، شورا و مشورت، دعوت به دین و نیکی کردن به افراد جلوه می‌کند و در نتیجه، تمام شهروندان با رعایت این وظایف مانند یک خانواده مهربان و دلسوز در راه تکامل و تعالی و پیشرفت تلاش می‌کنند.

در اجتماعی که فقه و توجه مردم به حلال و حرام خدا باشد و فرمان الهی به کار گرفته شود، آن اجتماع از تاریکی‌های فساد و بی‌دینی و تفرقه و جدایی بیرون آمده و به زندگی سرشار از نور حق، عدالت و فضیلت و صلاح رهنمون می‌شود.

اسلام حفظ و حراست از ارزش‌های مادی و معنوی را نیز در سایه برپا داشتن اجتماعی سالم دانسته است. سلامت اجتماع با تحقق امنیت حاصل می‌گردد و هر چیزی سلامت اجتماع را تهدید کند، امنیت آن را نیز به خطر می‌اندازد. رسیدن به هدف آفرینش انسان که سعادت در دنیا و آخرت است نیز در دیدگاه فقه سیاسی در سایه زندگی اجتماعی تحقق می‌یابد.

بنابراین دستگاه معرفتی از منظر قرآن عبارت است از :

— معرفت و حیانی : تعیین حدود رفتار و کیفیت رابطه انسان و خدا و تعیین جهت‌گیری‌های زندگی فرد و جامعه و حدود امنیت در سطوح مختلف

— معرفت عقلایی (فلسفی و کلامی) : تعیین ضرورت‌ها، از جمله ضرورت نیاز به معارف و حیانی و ضرورت امنیت.

— معرفت علمی و تجربی و عرفی: تعیین شکل و شیوه انجام رفتارهای غیر عبادی، در حوزه اقتصاد، سیاست و اجتماع متناسب با پیشرفت‌های علمی و مقتضیات و تعیین ساز و کارهای تأمین امنیت در ابعاد و سطوح مورد تأکید دین.

— معرفت شهودی و عرفانی: حوزه هنر و زیبایی و احساسات و علایق فردی و ملی و... استفاده از هنرهای مختلف (شعر، سینما، رمان، تئاتر و...) و معارف شهودی و اشراق در تأمین امنیت.

دکتر عساریان نژاد:

اگر بخواهیم مفاهیم امنیت را در قرآن و از منظر قرآن دسته بندی کنیم باید بگوییم که خداوند هر کس را که ایمان بیاورد در حصار امن قرار می دهد. هر کسی که در این حصار امن به سر برد جزای بیشتری در آخرت می برد. پس امنیت برای انسان از منظر قرآن، زمینه ای است برای کمال، زمینه ای است برای این که در روز حشر پاداش خودش را بگیرد. در مقابل صبری که کرده، تقوایی که پیشه کرده و تحملی که داشته. از طرف دیگر، در خیلی جاها خداوند شرایطی را موضوع امنیت قرار می دهد. چنان که سفارش می کند سعی نکنید کافران بر مؤمنان چیرگی پیدا کنند چون این ها (کافران) فساد ایجاد می کنند. نا امنی ایجاد می کنند.

در خیلی موضوعات قرآن با توجه به حقوق دیگران، به معیشت و کار و رابطه آنها با امنیت اهمیت قائل شده است. کلامی از حضرت امیر هست که می گوید: ماهیه العیش فی الأمن. می گوید که اصلاً اصول و اساس معیشت و کار، امنیت است، و می دانیم که فرمایشات حضرت امیر همه از قرآن برداشت شده است. موضوع دیگری که هست مثلاً حضرت امیر در غرر الحکم می گوید: "شر البلاد بلد لا أمن فیه و لا خصب" یعنی شما هیچ جایی و هیچ شهری را ارزشمند نمی بینید مگر این که آن شهر، جایگاه امنیت و آبادانی و سرسبزی باشد. در قرآن به موضوعات امنیت به اشکال مختلف اشاره شده است. حالا ما می خواهیم موضوع شناسی مرجع کنیم یعنی آنچه که امنیت به آن اصالت می دهد در قرآن کدام یک از این ها است، آیا مبنا انسان متقی کمال جو و مؤمن است یا خیر؟ آیا چیزهای دیگر هم در کنار آن هست. کدام یک از این ها از منظر مرجعیت امنیتی اصالت دارد؟ نسبت به دیگر مراجع امنیتی که در دیگر مکاتب از آن نام می برند، کدام یک اصالت دارند؟

آقای اصولی بفرماید امنیت در قرآن بر اساس چه عواملی مرجع شناسی شده و مرجع

امنیت از منظر خداوند چگونه انتخاب می شود؟

آقای علی اصولی، متخصص امنیت خاورمیانه:

موضوع امنیت در قرآن از زوایای مختلف مورد بحث قرار گرفته است. یک جای بحث های سلبی است یک جایی بحث های ثبوتی. یک جایی امنیت، شرط برقراری

عدالت دانسته شده، یک جایی امنیت شرط برقراری رفاه و عامل اصلی آسایش دانسته شده است و در یک جای دیگر بحث شکوفایی استعدادها و خلاقیت ها و رشد و بالندگی تمدن ها در سایه امنیت معنوی شکل گرفته. بحث از نوع ثبوتی اش شامل آزادی، اعتماد، سلامتی... از بعد سلبی اش احساس آزادی از نگرانی و ترس و خطر و تهدیدات ناشی از عوامل داخلی و خارجی و به طور خلاصه، فقدان ناامنی یا فقدان تهدید بحث شده- همان گونه که آقای مؤمن زاده هم فرمودند- امنیت از نگاه قرآن در سایه توکل و تقوا و احترام به حقوق دیگران، اجرای قسط و عدالت، برابری و دفاع و حمایت از مظلوم، برخورد با مفسد و قس علیهذا... مطرح شده است. در جای جای قرآن بحث امنیت، بحث حاکمیت خداوند و حکومت صالحان و مسائل دیگری که در قرآن راجع به امنیت بحث شده است راجع به این سؤال من فکر می کنم که باید وارونه سؤال را می پرسیدیم و می رفتیم ببینیم در قرآن مرجع امنیت چیست تا بر اساس آن، عواملی که به عنوان عوامل مرجعیت معرفی شده، مشخص بشود.

خوب، مسایل مختلفی در قرآن مطرح می شود: جامعه و مدینه فاضله با بحث خدا محوری که در قرآن مطرح می شود یا تقرب به خدا. ولی برداشت من این است که مرجع امنیت فرد است. ولی فرد مؤمن و با تقوا و همین نگاه هم به علت این که ما مرجع امنیت را فرض کردیم که یک فرد مؤمن و در واقع از نوع بشری است. آمدیم گفتیم که علت این موضوع این است که تمام آیات مربوط به امنیت حاوی پرهیز از ناامنی و در واقع، دوری از نگرانی هایی است که خدای عالم برای خلیفه خود و بندگان فرض کرده. به همین دلیل، من فکر می کنم عواملی که فرض شده برای مرجعیت امنیت یک فرد مؤمن، دلایل همین ناامنی هایی بوده که برای بشر در روی زمین ایجاد شده، توسط مردمان یا توسط حاکمان.

ناامنی های حاصل از استکبار، شرک، ظلم، نفاق، گناه، تحریف دین، احساس بیگانگی و... که در این باره آیات مختلفی مطرح است که درباره ناامنی های حاصل از کفار ما آیات ۹ و ۸ سوره قلم را داریم. درباره ناامنی های حاصل از شرک آیه ۵۵ سوره نور را داریم و درباره ناامنی های حاصل از حمله نظامی و سیاسی و اقتصادی و... به هر حال از حیث سلبی ناامنی های انسان مؤمن که توسط هموعانش ایجاد شده، به

همین دلیل خداوند مرجعیت امنیت را افراد بشر قرار داده و در جای جای سوره های قرآن هم این موضوع مطرح شده.

خداوند با وعده بهشت، در واقع، وعده جایگاه امنی را به مؤمن می دهد. اگر خداوند کعبه را به عنوان جایگاه امن معرفی می کند در واقع، محلی را وعده می دهد که شرک و ظلم در آن جایی نداشته باشد. یا در قرآن آمده است که : او خدایی است که آرامش را در دل مؤمنان جای داد تا ایمانی بر ایمانشان بیفزاید. خداوند امنیت را ناشی از ایمان آوردن می داند و مؤمنان را شایسته امنیت معرفی می کند.

فکر می کنم چهار دسته ناامنی های حاصل از استکبار، حمله نظامی (آیات جهاد)، نا امنی های حاصل از آدم ربایی و نا امنی های حوزه های اجتماعی، این ها همه به مرجعی واحد یعنی فرد مؤمن باز می گردد.

دکتر عساریان نژاد:

در قرآن هدف و مرجع همه تلاش های انسان، کمال و رسیدن به امنیت دانسته شده است. یعنی انسان با طی مراحل کمال به امنیت کامل دست می یابد. این کمال می تواند برای انسان در قالب مشارکت در امور رفاه، قسط جویی، عدالت، دفاع از حق، مقابله با ظلم حاصل می شود، حتی اگر پیامبری دولتی را مورد تأکید قرار می دهد، برای این است که انسان تحت آن حکومت و دولت، کمال جو بماند؛ متخلق باخلاق الله بشود. رشد کند تا که پاداشش بهشت شود. در مقابل کسانی که در زمین فساد می کنند، حلال خدا را حرام و حرامش را حلال می کنند خدا به آنها وعده آتش دوزخ می دهد. حال موضوع بحث این است که این دولت، این ساختار و تشکیلات که خداوند می خواهد چنین اهدافی را برای انسان مؤمن تأمین کند، در قرآن چه گونه ذکر شده است آن گونه که امیر المؤمنین فرموده که بدترین وطن ها، وطنی است که مردم در آن احساس امنیت نکنند.

جناب آقای کرمانی، براساس کدام دستگاه شناختی می توانیم به سوی امنیت ملی در قرآن برویم؟

آقای داوود کرمانی، کارشناس ارشد امنیت منطقه ای:

اگر ما فرد را مرجع امنیت بدانیم چگونه است که می بینیم بزرگان دین مانند امام حسین (ع)، امام علی (ع) و دیگران در راه اهداف متعالی خود، جان خود را از دست می دهند؟

دکتر عساریان نژاد:

باید بین مرجع امنیت و موضوع امنیت تفکیک قائل شد. مثلاً اگر حضرت امیر(ع) در ليله المبيت جانش را فدای پیامبر می کند، برای این است که اسلام پا برجا بماند. چون دین اسلام، چون خداوند می فرماید که ای پیامبر من ترا برای چه مبعوث کردم، که در جریان باشد، که برای چه مبعوث شده و این یکی از مباحثی است که سیدالشهدا در عاشورا بر آن تأکید می کند.

آقای کرمانی:

اصولاً روش های شناخت امنیت در قرآن محدود به یک یا دو مؤلفه نمی شود. دستگاه های شناختی که ما امروز در نظام بین المللی مثل رئالیسم و نئورئالیسم و امثال آنها داریم، شناخت های برخاسته از مکتب پوزیتیویسم است. می شود در مطالعات قرآنی گوشه هایی از این ها را پیدا کرد. اما انصافاً تفاوت بیشتر در اهداف است. مثلاً اگر قرآن به معرفت تجربی، اشاره کرده، آن روش شناخت تجربی برای چیست یا اگر به معرفت تاریخی اشاره کرده آن روش شناخت به اهداف و لذات مادی نظر دارد. ما با به کارگیری چندین دستگاه معرفتی می توانیم به جست و جوی امنیت در قرآن بپردازیم: یکی دستگاه معرفت عقلی است. حدود ۲۴ بار در قرآن از کلمه " تعقلون " استفاده شده و حدود ۲۲ بار از کلمه یعقلون. به عنوان مثال، در سوره انفال آمده است که: اگر دشمنان به صلح تمایل داشتند، شما نیز تمایل داشته باشید و فکر کنید و بیاندیشید که شاید برای شما بهتر باشد. دستگاه

معرفت تجربی، آن که خداوند می فرماید: شما در زمین سیر کنید عاقبت مردمان را ببینید که ظلم کردند مثل عاد، قوم لوط، قوم نوح، عاقبت و سرنوشت آنها را ببینید، ولی شما درس بگیرید.

آنها از دستگاه معرفت تجربی و از همه عوامل برای ترقی دنیای خودشان استفاده کردند. برای نا امن کردن موقعیت و وضعیت مردم، اما عاقبت این آدمها این چنین باشد. عاقبت آنها که برای دنیایشان مردم را به زنجیر می کشیدند، باز ادراکات و شناخت تاریخی است که قرآن کریم سرنوشت اقوام را مطرح می کند و سرانجام، دستگاه شناخت شهودی و عرفانی که در قرآن مطرح است.

حجه الاسلام خسروی، کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث:

در بحث مرجع امنیت، می شود گفت که در نتیجه این مباحث، رویکرد، یک رویکرد تلفیقی است یعنی هم دین، هم جامعه، هم مردم، هم دولت و هم فرد مرکب از آرمانگرایی و واقع گرایی است. ویژگی های این دو رویکرد هم این هاست:

الف: دارای جهت گرایی الهی است.

ب: تأکید بر جامعه است، یعنی در تعارض بین فرد و جمع، تأکید بر جامعه است.

ج: در ابعاد گوناگون امنیت، تأکید بر امنیت فرهنگی است.

د: تأکید بر هویت دینی است.

به دلیل همین رویکرد تلفیقی، افراد گوناگون تأکیدات و دلایل مختلفی را درباره موضوع امنیت در قرآن طرح می کنند یعنی در قرآن به گونه های مختلف و در جهات مختلف به امنیت توجه داده شده، یک بار به امنیت فردی و یک بار به امنیت اجتماعی تأکید شده است. ضمن آن که یک آرمان به عنوان اسلام به عنوان محور، مورد توجه است واقعیت ها هم مورد توجه است. به طوری که ما امروز می توانیم بحث امنیت ملی را داشته باشیم.

دکتر عساریان نژاد:

جناب آقای بهنام نیا، در قرآن گفتمانی وجود دارد بین خداوند و انبیای عظام. تقاضاهایی از خداوند از سوی انبیا وجود دارد. خدا به انبیا توصیه ای می فرماید و

اشاره هایی می فرماید که برخی اقوام به این توصیه ها عمل نکرده اند و عاقبت آن ها چه شده. همه این ها، نشانه آن است که خداوند همه نیازهای انسان را در رابطه با ترس، مشارکت، قسط و عدل می داند و شرایطی که پیامبران ادراک می کنند و این را از خداوند طلب می کنند. همه اینها، نشانگر این است که مفاهیمی گفتمانی از امنیت در قرآن شکل می گیرد.

حال سؤال این است که براساس چه دستگاهی و چه رویکردی این مشکل امنیتی بین عموم انسان ها و حاکمان (فاسد و صالح) شکل می گیرد ؟ چه دستگاهی در قرآن بین امنیت و نا امنی تفکیک ایجاد می کند؟

آقای علی اصغر بهنام نیا، کارشناس ارشد امنیت ملی:

من این سؤال را به پنج زیر سؤال تقسیم کردم. دوستان به بخش هایی از این سؤال ها پاسخ دادند. یکی از این زیر سؤال ها، این است که منظور از مردم و عموم مردم که در قرآن مطرح است چیست؟ دوم این که درک امنیت چه جوری است و چگونه شکل می گیرد؟ حوزه های مرتبط با امنیت که منجر به درک امنیت می شود چیست ؟ چهارم این که چه چیزی است که چتر امنیتی ایجاد می کند و مردم در زیر آن چتر قرار می گیرند و ادراکشان ارضاء می شود و پنجم این که، این دستگاه ها چگونه با هم همکاری می کنند تا نهایتاً این امنیت تأمین شود؟

سؤال اول این بود که مردم چه کسانی اند و خداوند آن ها را

چگونه دسته بندی کرده است؟

در قرآن به پیامبران، مؤمنین، مردم عادی کوچه و بازار، غیرمؤمنین، زنان، مردان، کودکان، پیران، اسرا، مجرمان، بیماران، کسبه و بازاریان و تاجران، نخبگان جامعه، والیان، مسئولان، سفراء، مطرودین، مغضوبین، کفار، بادیه نشینان و دیگران در جای جای قرآن اشاره شده، پس درک امنیت از دیدگاه هر کدام از این گروه ها و افراد باید متفاوت باشد. لهذا در فرصت کوتاهی که در اختیار داریم قادر به درک مفهوم امنیت از دیدگاه هر کدام از این گروه ها نخواهیم شد.

ادراک امنیت از سوی هر یک از این گروه ها در قرآن متناسب با ساختار شخصیتی افراد، جایگاه اجتماعی شان، میزان پابندی عملی شان به قرآن و ادراکشان از اسلام است. اگر این گروه بندی را انجام بدهیم آنگاه می توانیم به یک گروه بندی بزرگتر نظر کنیم. دومین نکته، این است که درک امنیتی چگونه صورت می گیرد؟

خداوند در قرآن، سه گونه درک امنیت را طرح کرده؛ یک، این که خداوند خودش مشخص کرده که برای امنیت چه بخواهید او به ما یاد می دهد که امنیت این است و ما این ها را برای شما امنیت قرار دادیم. دوم، این که خداوند به مردم می گوید که چه بخواهید از من که آنها برای شما موجب امنیت هستند. خیلی جاها داریم: ربنا آتنا و... فراوان از این موارد وجود دارد که خداوند آموزش می دهد که شماها این ها را بخواهید تا در امنیت قرار بگیرید و سوم، برخی از امنیت ها و در خواست ها را خدا - چه هنجار و چه ناهنجار- آنچه را که موجب نیاز مردم است، در قرآن مطرح می کند و می گوید مردم این چیز ها را خواستند، خوب بود و این چیزها را خواستند، بد بود، ما به این قوم عذاب دادیم و به آن قوم لطف کردیم. به این ترتیب، خداوند در سه دسته، درک امنیت را در قرآن ارائه می کند.

اما در باب زیر سؤال حوزه های مرتبط با درک امنیت باید گفت که می توان به چهار درک امنیت در قرآن اشاره کرد. چهار دسته نا امنی وجود دارد: نا امنی ناشی از استکبار، شرک، ظلم و نفاق، گناه، تحریف دین، اتهام و احساس بیگانگی. یک دسته دیگر نا امنی ها، نا امنی های نظامی و سیاسی و اقتصادی وزیست محیطی و اجتماعی و فردی و خانوادگی و فرهنگی است. بعضی نا امنی ها، موردی و اتفاقی است، مثل آدم ربایی که در عصر جاهلیت وجود داشته و چهارمین دسته، بی عدالتی ها که در حوزه سیاسی و اجتماعی مثل عدم مساوات بین گروه ها و دسته های انسانی وجود دارد و نیاز به داشتن فرصت های برابر در گروه های اجتماعی است که این هم بخشی از حوزه هایی است که ادراک و مشکلات امنیتی را شکل می دهد.

اما چهارمین زیر سؤال، همان چتر امنیت بود که مردم در زیر آن چتر به ارضای ادراک امنیتی خود برسند. به نظر می رسد که قرآن این مسأله را با استیفای حقوق مورد تأکید قرار داده ، حقوقی مثل حیات، حق کرامت، حق مالکیت، حق اختیار، حق انتخاب، حق آزادی و این گونه حق ها وقتی تأمین شود، مردم احساس امنیت

می کنند و به ادراک امنیت شان پاسخ داده می شود و قرآن این حقوق را بر اساس یک سری اصول و قواعد مطرح می کند. این حقوق اگر چه مربوط به فرد و دین و جامعه است اما از اصولی تبعیت می کند که قرآن آنها را تحت عنوان اصل دعوت، اصل مبارزه با موانع، اصل هدایت، اصل مشروعیت، اصل ولایت، اصل حفظ نظم، اصل نفی سبیل، اصل تقیه، اصل لاضرر و لاضرار، اصل صلح، اصل مصلحت، اصل تقدم اهم بر مهم، لزوم عمل به قدر مقدور، وفای به عهد، تألیف قلوب و تعدادی از اصول دیگر آورده است که باید به آن حقوق تحت عنوان این اصول پرداخته و عمل شود و... نهایتاً این چهار چوب حقوق که تحت و ذیل این اصول و قواعد مطرح می شود متناسب با ابزارها و سازوکارهایی است که دانش بشری در اختیار می گذارد. اما آخرین سؤال، که درباره دستگاه ها و رویکردهای شکل دهنده امنیت است. بخشی از این دستگاه ها، غربی است مثل دستگاه هایی که آنیاریا برلین، آقای گریچ، فوکو یا مثلاً گیوتر مطرح کرده اند و دسته دیگر، دستگاه هایی که قرآنی است مثل دستگاه های عقلانی، تجربی، شهودی و وحیانی. به نظر می رسد که این دستگاه های چهارگانه قرآنی آن دستگاه های غربی را پوشش می دهد، اما به یک شرط و یک تکمله و آن این است که این دستگاه، یک دستگاه چهار لایه است و لایه لایه هر کدام بخشی از فرایند ادراک را تشکیل می دهد. ابوعلی سینا در متمیم این موضوع می گوید که این ها شبیه حواس پنجگانه انسان اند. به طوری که بویایی نمی تواند جلوی چشایی را بگیرد. بینایی نمی تواند جای شنوایی را بگیرد. این ها هر کدام حوزه ای از ادراک را دارند پس می توان نتیجه گرفت که اسلام یک پکیج است. به طوری که در کنار آیه عذاب، آیه رحمت وجود دارد. اگر در یک جایی قرآن قصاص را مطرح می کند، در انتهایش عفو و رحمت را هم مطرح می کند. به نظر می رسد که نگاه منفرد و یگانه به این اصول و آیات ما را به نتیجه نمی رساند و باید ما اسلام را به صورت یک بسته و مجموعه و هر لایه را در جای خود مد نظر قرار بدهیم. دستگاه ادراکی که برای انسان و مجموعه افراد در ذیل حکومت اسلامی از همین چهارلایه عقلانی، تجربی، شهودی و وحیانی شکل می گیرد و هر یک در جایگاه خود ادراکی به افرادی می دهد که با استفاده از آن در خواست امنیت دارند. مثلاً فرض کنید وقتی حضرت ابراهیم را به آتش می اندازند او نیاز به امنیت دارد اما در خواست او

طوری نیست که آن را به زبان بیاورد و خداوند فرمان کونی برداً و سلاماً را در حقش اعمال می کند.

دکتر عساریان نژاد:

آقای فتاح محمدی بفرمایید در قرآن موضوعات امنیتی که آمده است، در حوزه امنیت ملی (حاکمیت، جمعیت و سرزمین) چیست؟

آقای فتاح محمدی، کارشناس ارشد علوم سیاسی:

من سؤال را دو بخش کردم یکی این که آیا بحث امنیت ملی و حاکمیت ملی در قرآن آمده است یا نه؟ و سؤال دیگر آن که چگونه می توانیم این امنیت را تعمیم بدهیم به امنیت انسان هایی که در لوای دین زندگی می کنند. در ابتدا باید گفت که در قرآن آیات متعددی وجود دارد مبنی بر این که در ابتدا، امت، امت واحدی بوده اما کم کم اختلاف ها به وجود آمده و درنهایت می گوید که اگر خداوند می خواست می توانست این اختلاف ها را برطرف کند، این اختلاف ها هم دو منبع داشته یا اختلاف بر اساس حقوق و تکالیف انسان و تضاد منافع است که صورت می گیرد که این را خدا، خیلی با آن مخالفتی ندارد. یعنی این اختلاف ها طبیعی است. یک بخش از اختلاف، اختلاف در دین است که خداوند این را نمی خواهد اما معمولاً با اختلاف در حقوق و تکالیف و تضاد در منافع هیچ مخالفتی ندارد. پس وقتی در امت واحده اختلاف ایجاد شد ملت های مختلف یعنی ملت اسلام و ملت کفر ایجاد شد. قرآن می گوید که بعداً خداوند در این راستا به انسان اختیار می دهد که در کدام ملت قرار بگیرد و مبنای شقاوت و سعادت انسان را اختیار و آزادی انسان مطرح می کند. در این باره آیات متعددی وجود دارد. رسیدن به سعادت یا شقاوت در دست انسان است و از طرفی بقای جامعه خود انسان است که می تواند استمرار ملت های مختلف را داشته باشد و در این جا بحث آزادی و اختیار مطرح می شود و نهایتاً به بخش حاکمیت ها می رسیم. در این جا حاکمیت ها را تقسیم می کنیم. یکی، این که حاکمیت را بر اساس اصل ۵۶ قانون اساسی که حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست (حاکمیت تکوینی) و آیاتش در قرآن متعدد است و دیگر، حاکمیت

تشریحی است که با ارسال پیامبران صورت می‌گیرد که در اینجا، نقش انسان در این نوع حاکمیت دخالت می‌کند. مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی در این بخش مطرح می‌شود (هم از دیدگاه امام علی(ع) و هم دوران حکومت پیامبر اسلام(ص) و هم از دیدگاه امام خمینی رضوان الله علیه) و بعد عناصر تشکیل دهنده دولت را از دیدگاه قرآن مطرح می‌کنیم.

اما بحث حکومت و جمعیت و قدرت سیاسی کاملاً مبانی اش در قرآن مشخص است که این موارد را عیناً عرض می‌کنم: هر چند قرآن کریم تصریح بر سرزمین به عنوان یکی از سه رکن دولت ندارد؛ اما آیه ۳۳ سوره مائده درباره حکم مجازات محارب می‌فرماید: "او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف أو ینفوا من الارض" که در این جا از ارض به عنوان سرزمین اسلام (دارالاسلام) تعبیر شده در مقابل سرزمین کفر یعنی بر اساس این دو آیه می‌توان اساس سرزمین و قلمرو را اثبات کرد. آیات متعددی نیز درباره جمعیت وجود دارد.

دکتر عساریان نژاد:

در اینجا، مسأله نفی بلد را که در قرآن آمده چگونه تفسیر و تعبیر می‌کنید؟ یعنی فرد باید از سرزمین دارالاسلام به دارالکفر تبعید بشود؟

آقای فتاح محمدی:

البته امروز آنچه در کشور ما متداول است، این معنا نیست. در قرآن آن مرزبندی که امروزه میان دولت‌ها هست؛ وجود ندارد. آنچه را که به آسانی می‌توان از قرآن استنباط کرد مفاهیم دارالاسلام و دارالکفر است. اما مفسرین مفهوم بلد را در این عبارت به معنای بلد اسلامی در مقابل بلد غیر اسلامی دانسته‌اند. یعنی گاهی مجازات فرد مجرم تبعید است. این تبعید از قلمرو اسلام است یعنی یکی از موارد مجازات، طرد یا خروج از بلاد اسلامی تفسیر شده است.

مورد بعدی، قدرت سیاسی است که در قرآن مطرح شده و یکی از لوازم وجود هیأت حاکمه، قدرت سیاسی است و دولت لازم است که برای حفظ نظم و امنیت و جلوگیری از وقوع هرج و مرج یک قدرت برتر را در دست داشته باشد که بتواند

تصمیم‌گیری بکند و حرف آخر را او بزند. آیه ۲۱۳ سوره بقره "كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ" که در اینجا حاکمیت تشریحی پیامبران را مطرح کرده. خداوند در آیات متعددی به ولی اشاره کرده: لا تتخذوا الكافرين اولياء من دون المؤمنين، یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا عدوی و عدوکم اولیاء، یا آیه: یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم، را در معنای قدرت سیاسی مطرح کرده است.

مسأله تفکیک قوا را دقیقاً می‌توان در یک آیه قرآن مشاهده کرد: لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد. که قوای مقننه همان انزلنا معهم الکتاب است که البته مرجع قانون‌گذاری خداوند و پیامبر و معصومین هستند. قوه قضائیه را در المیزان ليقوم الناس بالقسط مطرح کردیم و قوه مجریه را در انزلنا الحديد. و درنهایت، برای جمع‌بندی، نقش و جایگاه مردم را در قرآن بررسی می‌کنیم که آیات متعددی در این باره آمده است.

آقای دکتر عساریان نژاد:

آقای ترقی، چگونه شما مفاهیم تحلیلی مختلف و رقیب را

در قرآن جستجو کردید؟

آقای علیرضا ترقی، کارشناس ارشد مدیریت اطلاعات:

نکته‌ای در اینجا مطرح است این است که ما در بحث امنیت ملی، نقطه‌ای ونکته‌ای به طور مشخص نمی‌توانیم در قرآن پیدا کنیم. اگر یک پیوستار تاریخی رسم کنیم از زمانی که اندیشه سیاسی اسلام یا اندیشه شیعه شکل گرفته و از آن هنگام بخواهیم مقطع به مقطع پیش بیایم می‌بینیم که در ادوار مختلف تاریخی این امنیت رشد یافته و در حالت سیر و شدن به سوی کمال است. در ابتدا اندیشمندان امنیت فردی و شخصی را مطرح می‌کردند. همین که امنیت به سوی رشد و بالندگی رفت امنیت جهانی مطرح شد و حتی می‌توان عنوان امنیت فراج جهانی را به کاربرد، یعنی امنیت فرا دنیای مادی. زیرا تئوریسین‌ها و مکاتب امنیت تنها به امنیت در این دنیا و در چهار چوب مسایل مادی می‌اندیشند. اما امنیت در قرآن ابعاد فرا دنیایی دارد و

امنیت پس از مرگ و امنیت اخروی را مطرح می کند، یعنی انسان مسلمان مؤمن این دغدغه را دارد که من چگونه می توانم پس از مرگ برای خود امنیت ایجاد کنم. قرآن هم بحران ها و تهدیدها را مشخص کرده و هم مدیریت بحران کرده و این در واقع پیوستاری است که از امنیت های فرد آغاز می شود و به امنیت های کلان و فراکلان و به امنیت فراج جهانی که یک تفسیر بسیار وسیع و متعالی از انسان و انسانیت می دهد و در واقع یک نگاه تمام به انسانیت است، منجر می شود. این که چرا به تعبیری نمی توانیم در قرآن مسأله امنیت ملی را جستجو و کشف کنیم به این علت است که در قرآن به یک معنا، ملیت اصالت ندارد، یعنی ما بحث نژاد، خون، تاریخ و زبان راد قرآن نمی بینیم که دارای اصالت باشند. هر چند که در قرآن بحث شعوب و قبایل مطرح شده ولی به منظور شناخت و معرفت یکدیگر است. یعنی بحث ناسیونالیسم مثلاً ناسیونالیسم عرب در قرآن مطرح نیست. در قرآن برای ما حیثیتی فراتر از مرزهای جغرافیایی تعریف شده است. تنها، دریک جای قرآن از امنیت جغرافیایی یاد شده که همان بلد امین و حریم کعبه یا شهر مکه است که آن هم محل اختلاف میان علما و مفسرین است که می گویند در خود مکه هم در طول تاریخ قتل ها و نا امنی های فراوانی صورت گرفته، پس چگونه است که مکه به عنوان شهر امن نمونه مطرح شده که در این جا، علامه طباطبایی در این باره می فرماید که مراد از امنیت در آیه ۹۷ سوره آل عمران، امنیت تشریعی است نه تکوینی. زیرا کشتارها و جنگ های فراوانی در پیرامون خانه کعبه صورت گرفته است. پس اگر امنیتی در این باره هست در سایه مراعات قوانین شریعت است. اما آیت الله جوادی آملی این رأی را نقض می کنند و می گویند که این امنیت تشریعی نیست بلکه امنیت تکوینی است. یکی از مباحثی که راجع به تقسیم ملت ها مطرح شده که حضرت آیت الله عمید زنجانی در کتاب فقه سیاسی، جلد سوم مطرح می کنند این است که ملت ها را بر سه اساس عقیده، قراردادهای حقوقی (ذمه، صلح) و مسایل سیاسی (حیاد و اعتزال) تقسیم می کنند که بر این اساس هم تقسیم بندی جمعیت ها و ملت ها صورت گرفته که عبارت اند از امت اسلامی که بحث مرجعیت را می توان بر امت اسلامی اطلاق کرد. مهاجرین و اهل کتاب، اهل اعتزال، اهل صلح، اهل حرب، مستأمنین (کسانی که با آنها عقد امان بسته شده)، اهل فساد، اهل بغی و

اهل رده. این ها در واقع پوشش دهنده بحث امنیت ملی است. همچنین علامه حلی در این زمینه یک تقسیم بندی دارد و می گوید: الدار قسمان: دارالاسلام و دارالکفر. که این مسائل درباره امنیت در مباحث متکلمان وارد شده است. حالا حضرت امام، شهید مدرس، علامه حلی، میرزای شیرازی، میرزاسیخ مجتهد، همگی در این سیر قرار دارند که بحث امنیت را پذیرفته اند. همین مسأله و مشکل در میان اهل تسنن هست. معتزله، اشاعره و معتقدین به روش سلف بحث های عقلی و نقلی فراوانی در این باره مطرح کرده اند.

دکتر عساریان نزاد:

در بحث از امنیت بین شعوب و قبایل مرز قایل شویم و شش گونه از شعوب را از لحاظ مسأله امنیت نام ببریم :

۱- شعوب مسلم

۲- مؤمن

۳- کافر

۴- مشرک

۵- اهل ذمه

۶- ناس

اینها در اعم خود می توانند به گروهایی تقسیم شوند که شاید مبنای تقوا و برتری آن ها در نزد خداوند در خیلی از آنها نباشد. اما مبنای زندگی و تعامل و نزدیکی میان این ها در قرآن مطرح است. در خیلی از جاها لازمه میان این ها ارتباط است و جنگ نیست. اگر شما با اهل بغی و مرتدان می جنگید به این معنا نیست که همیشه باید با کافر و مشرک در جنگ و جدال باشید و این امر تابع شرایط و اصولی است. آن مرز و میزانی که برای ثبات و صلح یا برای جنگ است، آن میزان در موضوعیت امنیت ملی است. رد پای این موضوع را باید در نهج البلاغه پیدا کنید. در نامه حضرت امیر به مالک اشتر، در پاسخ به آن فردی که در مسجد فریاد "لا حکم الا لله" سر می دهد، پیدا کنید و بتوانید بین این ها مرز مشخص کنید. این عبارت لتعارفوا یک

مفهوم کلیدی است که ما در اسلام ارتباط سیاسی داریم... همه این ها را داریم ولی تابع حدود و شرایطی است.

بر اساس چه معیاری می توان امکان دفاع روش گونه و پژوهش گرانه اوامر و مناهی قرآن را در موضوع امنیت ملی ج.ا.و مورد لحاظ قرار داد؟

آقای علی اصغر خاجی، کارشناس ارشد امور بین الملل:

در ابتدا این نکته را می بایست مد نظر قرار داد که محتوا در حوزه ها و گزاره های جهان اسلام از منظر معرفتی به دلیل اعتقاد به اعتباری بودن مرزهای جغرافیای و اصالت مرزهای اعتقادی "امت نگر" بوده و در نتیجه متضمن وظائف و مسئولیت های فراملی برای دولت اسلامی است، اما التزام به اصول و آموزه های بنیادین مکتب تشیع نظیر توجه به دو عنصر زمان و مکان در صدور احکام و اتخاذ مواضع، قاعده الایم فی الایم، اصل مصلحت، اصل وفای به عهد و پیمان های دو یا چند جانبه بین المللی و دیگر اصول، مرزهای سرزمینی و در نتیجه مفهوم امنیت ملی را در نظر اسلام معتبر ساخته و بین امنیت محوری و ملت نگری پیوند برقرار می نماید.

- با مقدمه فوق برخی از معیارهایی را که می توان به عنوان مناهی و اوامر قرآن، در موضوع امنیت ملی مورد لحاظ قرار داد، عبارتند از :

- علت غایی امنیت، نزدیکی به خداوند است (قرب الی الله) و هدف اصلی حکومت راهنمایی کردن انسان ها به سوی خلیفه الهی و فراهم آوردن مقدمات سیر و سلوک آنان می باشد تا انسان ها نورانی شوند.

- امنیت دارای سطوح مختلفی است که می بایستی تمامی آن سطوح مد نظر قرار گیرد: امنیت جنین قبل از تولد/ امنیت فرد/ امنیت گروهی / امنیت ملی / امنیت امت / امنیت سیاسی / امنیت اجتماعی / امنیت اقتصادی / امنیت فرهنگی / امنیت مادی و معنوی / امنیت حقوقی / و...

- در روابط خارجی اصل بر دعوت است. گرچه برخی آیات دال بر جنگ دارد (با آنهایی که به خداوند و روز قیامت ایمان نمی آورند بچنگید// تا زمانی که دین

خداوند فراگیر شود بجنگید) و برخی آیات دلالت بر صلح دارد لیکن در اسلام اصالت با "دعوت" است و در پیشبرد دعوت می بایستی از طریق صلح پیش رفت. در خاتمه بر این نکته تأکید می گردد که علاوه بر موارد فوق می توان از معرفت های سه گانه قرآن نیز در بحث امنیت بهره گیری نمود: معرفت شهودی // معرفت تجربی (قصص قرآنی) // معرفت عقلانی (منطق و اصول حاکم بر امنیت)

دکتر عساریان نژاد:

گذار مرجعیت دولت ج.ا.ا از منظر امنیت ملی در قرآن کریم چگونه است؟

آقای مهدی کامکار، کارشناس ارشد امنیت ملی:

در واقع می خواهیم به جایگاه دولت ملی از دیدگاه قرآن کریم و این که آیا حکومت اسلامی مورد نظر قرآن کریم قائل به مرز جغرافیایی بوده و یا ام القرای می باشد پیردازیم. از آنجائی که دوستان در ارتباط با بحث کلی امنیت از منظر قرآن کریم پرداختند من از ذکر آن خودداری می کنم و اشاره می کنم که مطلبی حدود ۸ صفحه در باب جایگاه امنیت از دیدگاه قرآن کریم نوشته ام که چنان که مورد علاقه دوستان باشد در اختیارشان خواهم گذاشت و من در این مدت کوتاه در واقع به دو مورد می پردازم:

۱- ضرورت تشکیل حکومت اسلامی از منظر امنیت و دیدگاه قرآن کریم.

۲- نگاه قرآن به دولت ملی و چگونگی مرجعیت دولت ملی و نیز قائل بودن به مرز جغرافیایی.

همان طور که مستحضرید تشکیل حکومت اسلامی از دیدگاه فقها من جمله حضرت امام (ره) از ضروریات حتمی اسلامی و اساس دین است به طوری که ایشان می فرمایند که طبق ضرورت عقل، ضرورت احکام اسلام، رویه رسول اکرم (ص) و امیر المؤمنین (ع) و مفاد آیات و روایات، تشکیل حکومت لازم است معیناً می خواهم از منظر امنیت و دیدگاه قرآن کریم این مطلب را عرض کنم که چنانچه به سوره مبارکه نور آیه ۵۵ دقت لازم به عمل آید که می فرماید: "خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند وعده داده که حتماً آنان را در این سرزمین

جانشین خود قرار دهد... و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند تا مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند... "کاملاً نشان می دهد که ایجاد امنیت واقعی در گرو استقرار حکومت الهی خواهد بود چنانچه امام علی (ع) نیز در خطبه ۱۳۱ به صراحت می فرمایند: بدان جهت حکومت را پذیرفتم که... ستمدیدگان از بندگان از احساس امنیت نمایند.

از دیدگاه قرآن کریم نظام سیاسی مشروع، پایه امنیت ملی و جهانی است. در قرآن کریم یک دسته آیات داریم که به مشروعیت نظام سیاسی انبیاء الهی اشاره دارد و یک دسته آیات که از آنها منصب سیاسی پیامبر(ص) استفاده می شود و نیز آیات مربوط به امامت و در عصر غیبت فقهای واجد شرایط چرا که دو نوع یقین داریم یکی یقین بالتنصیب و دیگر یقین بالتوصیف و عناصر لازم برای تشکیل حکومت اسلامی حقانیت، مشروعیت از سوی خداوند و مقبولیت است. یعنی همانند تمام شعائر دینی که خداوند آنها را ابلاغ می کند و مردم مختارند که قبول کنند یا نکنند. تشکیل حکومت اسلامی هم هر جا این عناصر جمع اند تحقق پیدا می کند، همانند دولت جمهوری اسلامی ایران. بدیهی است این امر در تحقق رابطه جمعیت، سرزمین و مالکیت است و مقبولیت در حوزه جغرافیای خاص صورت می گیرد. اما مرز جغرافیایی آن را محدود نمی سازد و می تواند ام القریای برای تمام مسلمانان محسوب گردد و آمادگی ظهور حضرت ولی عصر(عج) را فراهم نماید و این امر منافاتی با محوریت مرزی و جغرافیایی که خیلی از علما از جمله استاد علامه طباطبایی که در جلد چهارم تفسیر المیزان مرز کشور اسلامی را اعتقاد می داند ندارد. ایشان علی رغم این که انشعاب نوع بشر را به دنبال حوائج طبیعی بشر می دانند آن را مغایر فطرت بشری که به دنبال وحدت است دانسته و در واقع ایده مجتمع اسلامی را مطرح می نماید، معهذا همان طور که گفته شد از آیات قرآنی می توان استنباط نمود که ایمان و کار نیک بر پایی نظام جانشینی الهی برای ایجاد آبادانی در زمین و نیز محقق ساختن شرایط این نظام تنها راهی است که انسان می تواند با آن به امنیت و ایمنی واقعی دست یافته و در سایه آن عبادت خدا را نماید. پس حکومت اسلامی ناشی از تحقق سه شرط حقانیت، مشروعیت و مقبولیت است گرچه در اقلیمی خاص استقرار می یابد اما مرز جغرافیایی آن را محدود نمی سازد به

طوری که می تواند ام القرای برای تمام مسلمین محسوب گردد و آمادگی ظهور ولی عصر(عج) را فراهم نماید.

دکتر عساریان نژاد:

کاستی های نظریات مکاتب مدافع امنیت ملی در برابر خواستگاه و تأکید

امنیت ملی از منظر قرآن کریم چیست؟

آقای لطفعلی عنایتی، کارشناس ارشد علوم سیاسی:

قبل از پاسخ به این سؤال باید ببینیم اصولاً در قرآن مجید به امنیت از چه زاویه ای نگاه شده است. امنیت در قرآن یک مفهوم کلی است و از قرآن به عنوان یک کتاب راهنمای بشر برای همه زمان ها و همه مکان ها غیر از این هم انتظار نیست. انتظار طرح مبحث امنیت ملی در اسلام به عنوان یک شاخه از اصل امنیت، انتظار مناسبی نیست و ما نباید در قرآن به دنبال جزئیاتی باشیم که حاصل مطالعات حداکثر دو قرن اخیر است که آن هم بر مبنای تفسیر وقایع حاصل دست بشر شکل گرفته و دائماً نیز در حال تغییر است. این انتظار مانند این است که ما در قرآن به دنبال جراحی قلب باز باشیم. این روش چیزی جز ایجاد توقع این که قرآن باید پاسخگوی جزئیات مطالعات علمی امروز باشد، نخواهد بود و قرآن را در حد یک کتاب توجیه کننده مسائل علمی تنزل خواهد داد. آنچه که در قرآن مشهود است این می باشد که موضوعی با عنوان امنیت ملی در قرآن وجود ندارد. زیرا امنیت ملی در شرایط جغرافیایی قابل تعریف است در حالی که قرآن چیزی به عنوان مرز جغرافیایی به رسمیت نمی شناسد. بلکه آنچه که از منظر قرآن اصالت دارد مرز عقیدتی است که تشکیل دهنده امت اسلامی می باشد.

در قرآن امنیت یک مفهوم وسیع، متوازن و عمق دار و شامل تمامی ابعاد زندگی و حوزه های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و امنیتی داخلی و خارجی می شود و بر الگویی از امنیت تأکید می شود که با اقتدار و انسجام وحدت و ارتباط جامعه اسلامی و استحکام درونی جامعه پیوند دارد و شرایط امنیت را در بعد امنیت خارجی و استحکام درونی امت اسلامی می داند. اما در زمینه پاسخ به سؤال، بدون

در نظر گرفتن موضوع امنیت ملی و صرفاً توجه به اصل امنیت با در نظر گرفتن اصل هدف، قابل پاسخگویی است.

با توضیح این مقدمه، آنچه که در تفاوت امنیت از دیدگاه قرآن با امنیت در سایر مکاتب قابل احصاء است، هدف از امنیت می باشد، به طوری که در قرآن هدف امنیت " تکامل انسان " می باشد، ولی هدف امنیت در سایر مکاتب که همانا رفاه و آسایش و یا به تعبیر " منتسکیو " آزادی می باشد. لذا با این توصیف خاستگاه امنیت در قرآن " کمال و سعادت بشر و تأکید آن بر ایمان و عمل صالح " می باشد. در این رابطه قرآن می فرماید: « وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم امناً یعبدوننی و لا یشرکون بی شیئاً » (نور: ۵۵)

« خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین [خود] قرار دهد، همان طور که کسانی که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد و آن دینی که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بپوشان را به ایمنی مبدل گرداند [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند» لذا از آنجایی که آرمان در قرآن کمال و قرب الهی است، مبانی امنیت بر این استوار است که امنیت وسیله و ابزاری است که در انسان آرامشی ایجاد نماید که بتواند به مسیر هدف که همانا قرب الهی است قدم بگذارد.

همچنین در قرآن ایمان مایه امنیت معرفی شده است. و اذکروا نعمه الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا و کنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها (آل عمران / ۱۰۳). قرآن با بیان وضع ناامنی بر جامعه جاهلی پیش از اسلام، از نعمتی یاد می کند که خدای تعالی در سایه اسلام به آنان داده و حال و روز بعد از اسلام آن ها را نسبت به پیش از اسلام بهبود بخشیده است. در دوران جاهلیت امنیت و سلامتی و ثروت و صفای دل نسبت به یکدیگر و پاکی اعمال نداشتند و در سایه اسلام صاحب همه این ها شدند. قرآن در همین رابطه به «حیات حسنه» و «حیات طیبه» اشاره می کند که بنا به تعبیر مفسرین وجود یا عدم وجود نعمت امنیت را دربر می گیرد. در حالی که در سایر مکاتب موضوع ایمان در امنیت مداخله ای ندارد.

در قرآن کریم امنیت مبتنی بر اخلاق است و با امنیت در سایر مکاتب که بر پایه قدرت است تفاوت ماهوی دارد.

بعد دیگر امنیت اسلامی صلح جویی آن است و اصولاً بر مبنای ستیز دائمی با بیگانگان نمی باشد بلکه دستور می دهد که اصل اولیه در روابط و در تأمین روابط جهانی، ضمن حفظ هوشیاری دائمی نسبت به بیگانگان، بر صفا و صمیمیت و محبت و لطف قرار گیرد، مگر این که دلایلی باعث شود که این اصل، مقید شده و یا تخصیص بخورد. اما در سایر مکاتب مبنای تهدید محوری دارد و احساس تهدید را به عنوان شرطی مؤثر در ایجاد امنیت می دانند. در واقع در این مکاتب به تهدید اصالت داده شده است.

پس به طور خلاصه اولاً انتظار جزئیات از قرآن انتظار درستی نیست، بلکه باید توجه به کلیات احکام مورد نظر را استنباط نمود. اما در کلیات امنیت از دید قرآن با امنیت از دید سایر مکاتب تفاوت ماهوی و کلی دارد. امنیت در قرآن ناشی از ایمان، عمل صالح و تفکر و تعقل و نتیجه آن نیز حیات طیبه است. ولی امنیت در سایر مکاتب در نهایت به تمایلات مادی بشری منتهی می شود. امنیت در قرآن مبتنی بر اخلاق و به جهت حفظ حیات نوع بشر است. به همین لحاظ نزاع و کشمکش از دید قرآن نه تنها ذاتی بشر نیست بلکه ناشی از وسوسه شیطان و عامل خارجی می باشد. به همین علت اسلام برای حفظ امنیت جامعه اسلامی و یا به عبارت دیگر برای حفظ ارزش های خود با بیگانگان در ستیز دائمی نیست که این موضوع نفی کننده تهدید محوری در موضوع امنیت است و برای قدرت اصالت قائل بوده و اصالت را اول به صلح و دوستی می دهد.

با این توضیحات امکان پیدا کردن مبحث امنیت ملی در مفهوم سرزمین و مرز به طور صرف، در قرآن وجود ندارد. ولی اگر امنیت ملی را در مفهوم جمعیت و حاکمیت ببینیم مباحث کلی امنیت قابل انطباق با مسائل امنیت ملی است. زیرا که در این صورت یا حاکمیت را به عنوان کلیتی از قلمرو اسلام مورد نظر دارد و یا جمعیت به عنوان نوع بشر، که در صورت دوم مسئله امنیت جهانی در تمام ابعادش مطرح است.



پڙهه ښکاره علوم انساني و مطالعات فرهنجی
پرتال جامع علوم انسانی